

داستان دیار حماسه‌ها

لیلا کوچک‌زاده

بخت یار توس بوده‌است که فردوسی بزرگ در درخشان ترین دوره تاریخی آن می زیسته و در شرایطی مطلوب توانسته شاهنامه را بسراید. جاودانه اثری که با تاریخ این دیار چنان در هم تنیده‌اند که حکم تار دارند و پود. در واقع می توان گفت دوره‌های درخشان تاریخ توس به نوعی به پی افکننده کاخ کلمات فارسی، مربوط است آنچنان که توس پس از اورنگ آبادانی دیگر به خود نمی بیند؛ دشتی که البته بارها روی ویرانی و قتل و غارت به خودمی بیند و نامش تا یک قرن پیش از سکه می افتد اما ۹۴ سال پیش در چنین روزهایی، هم زمان با آماده شدن مشهد برای برگزاری هزاره فردوسی و آغاز ساخت آرامگاه آن دوباره جان می گیرد بزرگ تازه‌ای در رونق این خطه تاریخی ورق می خورد. به همین مناسبت به دیار توس که سال ۹۹ سرانجام طرح راهبردی آن تصویب شد، رتیم و تاریخش را مرور کردیم.

● یکی از ۱۶ سرزمین مقدس توسی که ما مشهدهای در فاصله ۳۰ کیلومتری از هسته مرکزی مشهد تارسیدن به آرامگاه فردوسی می شناسیم، در حقیقت نام دیاری با ۱۶ هزار کیلومتر وسعت بوده که مرزهای شمال شرقی ایران را زیر نگین خود داشته‌است. از پرنگین قصایبان در کتاب «تاریخ پیدایش مشهد، قدمت توس را به پیش از اسلام می‌رساند و می‌گوید که این شهر در اواخر حکومت ساسانیان، یکی از شهرها و مرز داری های درجه دوم بر سر راه گران و نیشابور بوده‌است. همچنین نام توس در اوستا به عنوان یکی از ۱۶ سرزمین مهم و مقدس به نام «اورو» آمده و در دوره هخامنشیان «سوسیا» نامیده می شده‌است. از این دیار در نزه القلوب هم یاد شده‌است که جمشید پیشدادی آن را ساخت و بعد از خرابی اش، توس بن نوذر آن را تجدید عمارت کرده به نامش منسوب شد.

● داستان‌های توس

دشت پهناور توس در کنار کشف رود تاریخی، اژدر کوه و چشمه سو، تاریخ اسطوره ای ایران را ساخته‌است، آنجا که کیکاووس، گنجی به نام «عروس» را در دل این دیار پنهان می‌کند اما به وقت مرگ، آن را به زال، گیو و خداوندگار رخس، رستم، می بخشد، یا اینکه هرگاه آب رودخانه کشف رود خشک می‌شده، مردم آن را به پایین آمدن آذما به خواستد بر آذر کوه نسبت می‌داده‌اند که سر راه آب را گرفته و سر چشمه را خشک کرده‌است و سام، نیای رستم، با آذما می جنگد و آن

رامی کشد. اسطوره‌هایی که داستان سرای توس سال‌ها از مردمان این دیاری می‌شنود و به نظم می‌کشد.

● چرا توس کم رنگ شد؟

امادر قرون اولیه اسلامی، توس ولایتی از توابع نیشابور است که چهار شهر به نام‌های نوغان، تابران، رادکان و تروغیز و صدها قریه داشته‌است. شهر نوغان مرکز ولایت توس بوده و از قرن ۷ و ۶ هجری قمری است که به شهر تابران یا طابران اطلاق می‌شود. اما نوغان هم اکنون درون شهر مشهد است. تروغیز، نام قدیم طریقه، از مناطق پیلاقی مشهد است و رادکان هم در ۷۴ کیلومتری مشهد قرار دارد.

حاکم ولایت توس «کنارنگ» خوانده می‌شد. او با تازیان صلح می‌کند و خاندانش تا پایان عهد اموی در حکومت توس نقش اصلی داشته‌اند اما با آغاز جنبش ضد اموی در خراسان به پیشوایی «ابومسلم خراسانی»، قحطیه به توس فرستاده می‌شود. پس از پیروزی جنبش و قتل ابومسلم، فرزند همان قحطیه، بانام حمید بن قحطیه، والی توس می‌شود و در محل سناباد که در مجاورت نوغان قرار گرفته‌است، کاخی مجلل بنا می‌کند. از این زمان است که کنارنگیان از حکومت توس کنار زده می‌شوند. در این دوران، دو حادثه مهم روی می‌دهد که توس را از کانون توجه خارج می‌کند و رونقش را از سکه می‌اندازد. نخست مرگ خلیفه هارون الرشید به سال ۱۹۳ هجری قمری و دفن او در کاخ حمید بن قحطیه‌است و دیگری شهادت امام رضا(ع) که اسباب شکل گیری مشهد می‌شود.

به گفته مهدی سیدی، نگارنده، نگاهی به جغرافیای تاریخی شهر مشهد، «از آنجا که محل دفن حضرت رضا(ع) در اراضی قریه سناباد واقع در ۱۶۰۰ متری (یک میلی) نوغان بوده‌است، اغلب تاریخچه شهر مشهد را به سناباد پیوند می‌دهند و نوغان را به کلی فراموش می‌کنند، در حالی که قریه سناباد در مجاورت شهر نوغان قرار گرفته و نوغان از شهرهای مرکزی ولایت توس بوده‌است. در هر صورت این واقعه تاریخی، هسته اولیه شهر مشهد را از قریه سناباد تشکیل می‌دهد. در دوره‌های بعد، مشهد به تدریج به دلیل اهمیت مذهبی خود شهر توس را تحت الشعاع قرار می‌دهد و پایتخت خراسان می‌شود.

● فردوسی و دوران درخشان توس

دو دوره درخشان تاریخی برای ولایت توس می‌توان در نظر گرفت، دوره‌هایی که مستقیم به سراینده شاهنامه مربوط است. یکی دوره زندگی فردوسی و سرایش شاهنامه که حدود هزار سال پیش در سده چهارم هجری قمری است،

یعنی دوره سامانیان که باروی کار آمدن امیر نصر بن احمد سامانی، زمینه فعالیت ایرانیان فرهیخته فراهم می‌شود. دوره دیگر درخشندگی توس به همین یک قرن پیش بازمی‌گردد، یعنی آغاز قرن چهاردهم که مشهد هم زمان برای آماده شدن هزاره فردوسی، تغییرات و ساخت بناهای سترگ بسیاری به خود می‌بیند که از مهم ترین آن‌ها، ساخت آرامگاه برای فردوسی بزرگ است. ساخت فلکه حضرت، بیمارستان امام رضا(ع)،



عکس: محمد زاربا

دبیرستان شاهرضا (دبیرستان دکتر علی شریعتی) و ساختمان تئاتر مشهد و... همه در حوالی شروع قرن جدید انجام می‌شود.

● هجوم مغولان

۲۰۰ سال بعد از فردوسی با هجوم مغولان، روزگار باشکوه توس در هم نوردیده می‌شود و غارت و ویرانی و قتل بر این دیار سطره می‌اندازد. طوری که دیدن آدم زنده در این دیار مانند دیدن سیمرغ به افسانه شبیه می‌شود. مدتی بعد اما با پیوستن خواجه نصیرالدین توسی به دستگاه هلاکوخان مغول، نام توس بیشتر بر سر زبان‌ها می‌افتد و کمی زنگ آبادانی رامی‌بیند. همچنین در نیمه اول سده هشتم هجری قمری و هم زمان با مرگ آخرین ایلخان مغول، این سربه داران سبزو ار هستند که کمر همت به آبادانی توس می‌بندند و قنوت ولایت توس و مشهد را جاری می‌سازند.

● ویرانی توس

اما فردوسی بزرگ کجاست که در غم قتل ۱۰ هزار تن از هم ولایتی هایش تراژدی گونه ای خلق کند یا مرثیه بسراید؟ مردم توس به راحتی تسلیم سپاه تیمور نمی‌شوند اما لشکر تیموریان در سال ۷۹۱ هجری قمری، تشنه به خون این مردم، شهر توس را که به گفته، حافظ ابرو، «از رنگ و نگار مانند طاووس بود، ویران می‌سازند.

شاید نیمه سده نهم و پایان عصر تیموریان را باید پایان توس نامید. زیرا در این زمان، دو واقعه ویرانگر دیگر آخرین ضربات را بر

برخی از آثار برجای مانده از توس قدیم

کتیبه خان تاشی	بقایای مسجد تابران توس	بقعه هارونیه
		
این کتیبه در ماه صفر سال ۹۱۶ هجری قمری به دستور شبیک خان، مرد شماره یک از یک‌های مهاجم، روی صخره‌ای در دره کارده نوشته شده است. در این کتیبه، شرح فتوحات شبیک خان و ادعاهایش مبنی بر خلیفه الرحمن و امام زمان وقت بودن آمده‌است. این کتیبه از مهم‌ترین آثار برجای مانده در باره تاریخچه شهر توس است که در موزه آرامگاه فردوسی نگهداری می‌شود.	اواخر دهه ۷۰، در صد و پنجاه متری جنوب غربی بنای هارونیه، بقایای قدیمی ترین مسجد موجود در خراسان و یکی از مساجد قرن هشتم هجری قمری پهلوی می‌زند. کاربری بنادقیقا مشخص نیست اما به بقعه یا خانقاه شباهت دارد. جالب است بدانید این بنا بعد از حمله مغول ساخته شده و هیچ ارتباطی با هارون وزندان او نداشته‌است. نام «هارونیه» از اوایل قرن معاصر خورشیدی و هم زمان با ساخت بنای آرامگاه کنونی فردوسی، بر این بنا نهاده شده‌است..	قدمت بقعه هارونیه که عوام آن را به اشتباه زندان هارون الرشید می‌دانند، به اواخر قرن هفتم و اوایل قرن هشتم هجری قمری پهلوی می‌زند. کاربری بنادقیقا مشخص نیست اما به بقعه یا خانقاه شباهت دارد. جالب است بدانید این بنا بعد از حمله مغول ساخته شده و هیچ ارتباطی با هارون وزندان او نداشته‌است. نام «هارونیه» از اوایل قرن معاصر خورشیدی و هم زمان با ساخت بنای آرامگاه کنونی فردوسی، بر این بنا نهاده شده‌است..

سال ۱۳۸۷: هیئت وزیران در مصوبه‌ای، توس را به عنوان تنها منطقه نمونه گردشگری بین المللی ثبت کرد.	سال ۱۳۸۷: هیئت وزیران در مصوبه‌ای، توس را به عنوان تنها منطقه نمونه گردشگری بین المللی ثبت کرد.
۲۵ اردیبهشت ۱۳۹۷: دولت بودجه ۱۶ میلیارد تومانی برای احیای برج و باروی توس اختصاص داد.	۲۵ اردیبهشت ۱۳۹۸: فاز اول جلوخان آرامگاه فردوسی به مساحت ۳۰٫۲ هکتار هم زمان با مراسم بزرگداشت فردوسی افتتاح شد.
۱۹ تیر ۱۳۹۹: فاز سوم و نهایی جلوخان آرامگاه فردوسی با مساحت ۴ هکتار و با هزینه حدود ۱۲ میلیارد تومان افتتاح شد. همچنین در این روز، عملیات اجرایی احداث مسیر دسترسی از جلوخان به کهن دژ کلنگ خورد.	۱۰ شهریور ۱۳۹۳: شورای احیای مجموعه فرهنگی تاریخی توس پس از ۱۵ سال مجدد راه اندازی شد، هرچند تنها دستاورد آن، برگزاری دو جلسه در همان سال بود.
۲۹ ذر ۱۳۹۹: مسیر دسترسی از جلوخان به کهن دژ به طول ۹۴۰ متر و با اعتبار ۶۰ میلیارد ریال به بهره برداری رسید.	۲۸ آبان ۱۳۹۶: سند باز زنده سازی توس در شورای شهر تصویب شد.
۲۵ اردیبهشت ۱۴۰۱: از وعده ۱۶ میلیارد تومانی دولت برای احیای برج و باروی توس فقط ۳ میلیارد تومان آن محقق و با این رقم تنها بخشی از دروازه و دیار و دیوارهای آن مرمت شد.	۲۶ آذر ۱۳۹۶: میراث فرهنگی و شهرداری برای سامان دهی ورودی آرامگاه فردوسی توافق کردند و شهرداری رسما مجوز ورود به محوطه پیشخوان آرامگاه فردوسی را دریافت کرد.

پژوهش: شیما سیدی

به مناسبت شهادت رئیسعلی دلواری و روز ملی مبارزه با استعمار انگلستان

مرد وطن



تندیس رئیس علی دلواری در شهر بوشهر

جنگ جهانی اول در ۲۸ ژوئیه ۱۹۱۴ میلادی میان کشورهای موسوم به متحدین و متفقین آغاز شد. در این هنگام تلاش‌هایی صورت گرفت تا حکم جهاد از سوی علمای اسلام علیه نیروهای متفقین (بریتانیا، روسیه، فرانسه و...) صادر شود و از این رو با توجه به عوامل مختلف، اکثر آزادی خواهان و علمای بلاد اسلامی ترجیحشان حمایت از نیروهای متحدین (آلمان، عثمانی و...) بود. تاجایی که برخی علما همچون سید محمد سعید حبوبی، شیخ الشریعه اصفهانی و سید مصطفی مجتهد کاشانی وارد عرصه مبارزه شدند و با صدور فتوایی، مردم را به جهاد و قیام مسلحانه دعوت کردند. همان طور که در یکی از این دستورات آمده‌است: «... به قهر و خذلان دشمنان دین، حمله مسلمانان عالم را به نام اسلامیت دعوت می‌نماییم با مال و نفس از بیضه مقدس اسلامی دفاع کرده در راه خدا جهاد پیشه سازید...»

امادر این جنگ، بوشهر، ستاد فرماندهی انگلستان در منطقه مبارزاتی بین النهرین شمرده می‌شد و به این دلیل، پروژه تصرف کامل آن در مرداد ۱۲۹۴ خورشیدی (آگوست ۱۹۱۵ میلادی) کلید خورد و یو این شهر به دست نیروهای انگلستان تصرف شد و مردم منطقه به شکل جدی مبارزه علیه انگلیسی‌ها را آغاز کردند. در نتیجه علمای آن سامان به حمایت از مبارزان منطقه پرداختند. برای مثال در فتوایی از سید عبدالحسین لاری، از علمای مشروطه خواه جنوب ایران، آمده‌است: «بدین وسیله فتوای می‌دهم که امروز بر تمام افراد کور ایرانی، جهاد با این کفار حربی واجب است... هر کس در این جنگ کشته شود، شهید خواهد بود.» شیخ محمد حسین مجتهد بر از جانی نیز با اعلان جهاد عمومی به حمایت از رئیسعلی دلواری پرداخت. وی با سابقه سیاسی و نظامی‌ای که داشت، در این جنگ نیز به محافظت از وطن روی آورد و به این ترتیب با قیامی که به همراه عشایر ایرانی علیه نیروهای انگلستان ترتیب داده بود، تلفات شایان توجهی بر آن ها وارد کرد. رئیسعلی ۱۲ شهریور ۱۲۹۴ خورشیدی زمانی که حدود ۳۰ سال از عمرش می‌گذشت، حین نبرد با انگلیسی‌ها و توسط شخصی به نام غلامحسین تنگی که از نیروهای نفوذی انگلستان شمرده می‌شد، از پشت سر مورد هدف گلوله قرار گرفت و به شهادت رسید و پیکرش پس از انتقال به نجف در قبرستان وادی السلام دفن شد.

نیکوست در اینجا به دلیل آنکه تاریخ وفات رئیسعلی دلواری را روز ملی مبارزه با استعمار انگلستان نام گذاری کرده‌اند، سخنی درباره حیات این بزرگ مرد وطن بگویم. رئیسعلی در خانواده‌ای مذهبی در روستای دلو ار ولادت یافت. پدرش، زائر محمد، کدخدای دلو ار و از طایفه احمدی بود که دلواری الاصل شمرده می‌شدند. در وصف وی آورده‌اند: نمونه کاملی از شجاعت و جسارت و شهامت بود. غیور و متهور و سلحشور و در عین حال بسیار متین و موقر و با مهابت و مؤدب و مبادی آداب و سخت پایبند به مذهب و معتقدات دینی بود. مردی قوی الاراده و ثابت قدم بود. سرعت عمل و قاطعیت و پشتکار از مشخصات اخلاقی او بود. از او ان جوانی به شجاعت شهره یافت. حتی دشمنانش او را به شجاعت می‌ستودند و در تیر اندازی و به کار بردن اسلحه بی نهایت ماهر بود. «با جریان مبارزات مشروطه خواهان در جنوب ایران به مشروطه خواهان پیوست و در کنار یکی از روحانیون مشروطه خواهان دیار، به نام سید مررضی مجتهد اهرمی، به مبارزه علیه محمد علی شاه پرداخت و توانست حاکم بوشهر را با داشت کند و برای چند ماه بوشهر را به تصرف خود درآورد. اما با گذشت چند سال و آغاز جنگ جهانی اول، دوباره وارد عرصه مبارزاتی شد و به همراه شیخ حسین خان چاه کوتاهی و زائر خضر خان اهرمی به دفاع از منطقه روی آورد. در کتاب یادداشت‌های هربرت چیک (سرکنسول انگلیس در بوشهر) نوشته شده‌است که فرمانده اصلی منطقه دلو ار، رئیسعلی است و هر نوع عملیاتی از سوی انگلیس ها ممکن است به آشوبی بزرگ منبدل شود. لذا می‌بایست او را از درون حلقه مبارزان کشت و کشت و کسی به نام غلامحسین را به این منظور پیدا کرده‌اند.

رئیسعلی در جنگی که در منطقه تنگک صفر، با قصد شبیخون زدن به نیروهای انگلیسی ترتیب یافته بود، مورد اصابت گلوله این شخص قرار گرفت. خبر شهادت این فرمانده ایرانی، سیلی از غم و اندوه برای مردم منطقه به همراه داشت و مبارزات مردم منطقه پس از وی نیز ادامه یافت. از رئیسعلی دلواری نقل می‌شود که گفته بود: «کشتن و کشته شدن شعار من است و تا آخرین قطره خونم را نثار راه استقلال و تمامیت وطنم خواهم نمود. هیهات، هرگز اجازه نخواهم داد انگلیسی‌ها در منطقه نفوذ منبرپا بده کنند.»



منابع: فرهنگ جامع تاریخ ایران، ج ۱، ص ۵۸، ایران در جنگ بزرگ ۱۹۱۸-۱۹۱۴، ص ۷۰ و ۷۹، صدای تاریخ بوشهر، بررسی تطبیقی واکنش علما و روحانیون ایران به اشغال کشور در جنگ جهانی اول و دوم، فرهنگ جامع تاریخ ایران، ج ۱، ص ۴۱۴-۴۱۶

تصویر مستند به رئیس علی دلواری